

پروسی تغییر رویکرد برنامه به سمت سازوکار بازار و الزامهای پیش رو (با تأکید بر دیدگاه‌های امام خمینی «ره»)

علی یوسفی نژاد

عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین (ع)

چکیده

یکی از دل‌مشغولی‌های اساسی در تدوین برنامه‌های پنج ساله‌ای که پس از انقلاب در کشور طراحی شد، کاهش تصدی‌گری و بار مسئولیتی و با حجم سنگین مسئولیت دولت در امور اقتصادی و در پی آن، واگذاری منابع موجود به بخش خصوصی است. تا آنجا که تجربه کشورهای توسعه‌یافته نشان می‌دهد این فرایند در بستری مناسب و آماده اتفاق افتاده است. بنابراین هرگونه تلاش در جهت رسیدن به اهدافی نظیر رشد و توسعه اقتصادی از طریق تغییر در ساختار فعلی اقتصاد کشور بدون توجه به ملاحظات و پیش‌نیازهای قطعی و مورد لزوم، امکان دستیابی به اهداف تعریف شده را سخت و بسیار دشوار می‌سازد. در چنین موقعیتی بهترین و مناسبترین راه‌حل می‌تواند از میان بیانات و رهنمودهای معمار بزرگ انقلاب اسلامی، استخراج و الگوسازی شود. از این طریق می‌توان علاوه بر استفاده از تجارب تاریخی سایر کشورها از رهنمودهای گرهگشای آن پیر فرزانه به نحو احسن بهره برد.

کلیدواژه‌ها: بازار، خصوصی‌سازی، بخش خصوصی، بخش دولتی

مقدمه

از آنجا که در آستانه برنامه چهارم توسعه فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران قرار داریم، لازم است مبانی اندیشه‌ای این برنامه توسط اندیشمندان و محققان مورد بررسی همه جانبه قرار گیرد.

یکی از موضوعهای مورد نظر در این زمینه، تغییر رویکردی است که در طول برنامه‌های گذشته همواره مورد توجه و توصیه برنامه‌ریزان و سیاستگذاران اقتصادی کشور، قرار گرفته است؛ بدین معنی که به واسطه ساختار ناکارآمد اقتصاد دولت سالار موجود، تدابیری اتخاذ گردد تا ساز و کار بازار و گرایش به سوی خصوصی‌سازی، جایگزین ساختار موجود شود. در این راستا قوانین و مقرراتی نیز در طول سالهای گذشته از طریق مراکز تصمیم‌گیری و قانونگذاری در جهت کاهش تصدیگری دولت به تصویب رسید و نهایتاً به مرحله اجرا گذاشته شد که از جمله آنان قانون واگذاری شرکتهای دولتی، خصوصی‌سازی بانکها و مؤسسات بیمه‌ای است.

نکته‌ای که از دید کارشناسان و تصمیم‌سازان اقتصادی به دور ماند و مورد غفلت قرار گرفت، فراهم نشدن زمینه‌های لازم در جهت رویکرد مورد نظر به سمت ساز و کار بازار و سرمایه سالار مورد انتظار است.

این موضوع از جمله مباحث و چالشهای گسترده‌ای است که توسط علما و اندیشمندان علم توسعه در کتابها و نوشته‌ها به طور عمیق و وسیع بدان پرداخته و راه‌حلهایی نیز ارائه شده است.*

چنانچه در این خصوص به سخنان و پیامهای بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی (ره) مراجعه شود، ملاحظه می‌گردد که بیانات ایشان به عنوان

* به منابع شماره‌های ۴، ۶ و ۱۲ مراجعه شود.

معمار نظام اسلامی می‌تواند راهگشای مشکلاتی باشد که ناشی از برداشتها و تحلیلهای سوء کارشناسان و دست‌اندرکاران تدوین برنامه‌ها بوده است. اما اگر این تغییر رویکرد نتواند اهدافی را که توسط تصمیم‌گیرندگان آن تعیین شده، محقق سازد آنگاه نه تنها از جهت زمانی، فرصتهای طلایی و بسیار استثنایی را از دست داده‌ایم بلکه از نظر تاریخی نیز تأثیرات بسیار نامطلوبی بر نسلهای بعد باقی خواهد ماند که بسادگی قادر به زدودن و پاک کردن آن نخواهیم بود.

در واقع اگر سیاست درستی در مسیر نادرست به اجرا گذاشته شود، نتایج غلطی به دست می‌آید. در این صورت هرگونه تغییر سیاست (رویکرد) نه تنها درمان نخواهد بود، بلکه خود موجب تشدید دردهای موجود نیز خواهد شد؛ یعنی ساز و کار بازار نه تنها نمی‌تواند مشکل اقتصادی کشور را به درستی برطرف کند بلکه بر معضلات اقتصادی خواهد افزود.

برای پی بردن بیشتر به اهمیت موضوع لازم است به وضع دنیای غرب اشاره شود که به درازی عمر چندین نسل، صبر و تحمل کردند و سپس با فراهم ساختن وضعیت لازم و با تولد نهادهای مورد نیاز در طول سالیان متمادی سرانجام با به دست آوردن محصول مورد نظر در زمینه‌های مختلف اقتصادی و غیراقتصادی شاهد و ناظر بر موفقیت‌های روزافزون شدند.

سؤالاتی که در این زمینه قابل طرح است عبارت است از:

- در چه وضعیتی ساز و کار بازار می‌تواند عملکردی مطلوب داشته باشد؟
- آیا موقعیت مناسب برای خصوصی‌سازی و واگذاری به بخش خصوصی فراهم شده است؟

- آیا صرف کاستن از بار تصدیهای بخش دولتی و واگذاری آن به بخش خصوصی می‌تواند عملکرد اقتصاد را متحول سازد؟

- آیا بدون فراهم ساختن بسترهای لازم می‌توان به تحولات ساختاری اقتصاد امیدوار بود؟

- آیا روند فعلی می‌تواند مؤید نظریات بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران امام خمینی (ره) باشد؟

- آیا سرمایه‌های انسانی و فرهنگ موجود، پذیرای ایجاد ساز و کار جدیدی در نظام اقتصادی کشور است؟

سابقه پژوهشهای صورت گرفته

با توجه به تحولات چشمگیر اقتصاد در قرن بیستم و در پی آن، توفیقات و عدم توفیقات، پیروزی و شکستها که به ایجاد کشورهای صنعتی و کشورهای در حال توسعه منجر شد، باعث گردید تا اندیشمندان و محققان در کشورهای مختلف اعم از توسعه یافته و همچنین کمتر توسعه یافته به ارائه الگوهای خود بپردازند. از جمله قدیمی‌ترین و مستندترین کار پژوهشی در این زمینه توسط متفکر بزرگ دنیای غرب یعنی ماکس وبر و در اثر بجای مانده وی تحت عنوان «اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری» است. در این کتاب وبر سعی دارد مناسبات میان حیات دینی، اجتماعی و اقتصادی را در فرهنگ معاصر تبیین کند. او نتیجه می‌گیرد که میان باورهای دینی (اخلاق پروتستان) و رشد حیات اقتصادی - عقلانی بورژوازی، قرابت سببی وجود دارد.

اگر بخواهیم به سابقه کارهای پژوهشی در این زمینه و در ارتباط با صاحب‌نظران داخلی اشاره کنیم می‌توانیم به یکی از شاخصترین صاحب‌نظران در این زمینه یعنی دکتر حسین عظیمی اشاره کرد که دیدگاه‌های ارزشمندی در زمینه اقتصاد توسعه دارد. از مهمترین بحثهای وی، می‌توان به کتاب "مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران" مقاله چارچوب نظری توسعه و همینطور به مصاحبه مقاله مانند کتاب توسعه تحت عنوان "

دین، فرهنگ و توسعه" اشاره کرد. در مقاله اخیر ایشان ضمن اشاره به تغییرات اساسی در تفکر مذهبی اروپا در مراحل اولیه فرایند توسعه و همینطور لزوم ایجاد فرهنگ جدید مبنی بر "علم محوری" و "اکثریت محوری" به جای "اشرافیت محوری" به عنوان پیش شرطهای لازم برای ایجاد تحول و توسعه پایدار و همه جانبه نام می برد. ضمن اینکه وی به نقش "اراده انسان" در فرایند توسعه اشاره، و تأکید می کند که نقش این عنصر در تحقق و یا عدم تحقق توسعه قابل توجه است در پی آن به موضوع مهمتری که با محتوای این مقاله نیز همخوانی دارد، یعنی موضوع "بازسازی فرهنگی" اشاره می کند.

وی در این زمینه بر این باور است که باید مسیر بازسازی فرهنگی را، که در یک جامعه در حال گذر به هر حال شروع می شود، هدایت کرد و آن را به سرمنزل مقصود یعنی فرهنگ مناسب توسعه رسانید.

از سایر پژوهشهای صورت گرفته می توان به کتاب "خصوصی سازی یا ترکیب مطلوب دولت و بازار" تألیف دکتر محمود متوسلی اشاره کرد. فصل ششم این کتاب که تماماً به بحث خصوصی سازی یا گرایش به سوی بازار پرداخته است، ضمن بررسی زمینه های تاریخی این موضوع در کشورهای غربی به نظریه روتنبرگ* (Rothenberg) نیز اشاره می کند مبنی بر اینکه "شواهد تجربی و اصول نظری کافی هنوز وجود ندارد تا بتوان در این راه شتاب گرفت. چراغهای کنونی، چشمک زن زرد است. در نتیجه این قضاوتی خارج از اصول علمی و برداشتی ناصحیح از نقش دولت و بخش خصوصی است. اگر در پاسخ به شکستهای دولت، نفی کامل دخالت دولت در اداره امور اقتصادی را پیشنهاد کنیم و یا جایگزین موارد شکست بازار را لزوماً دولت بدانیم که این هر

* از نظریه پردازان توسعه (اقتصادی) است.

دو عکس‌العملی افراطی است." در ادامه ضمن ارائه تعریفی از مفاهیم خصوصی‌سازی و اهداف یازده‌گانه آن به زمینه‌های نظری این موضوع به اولویتها و روشهای خصوصی‌سازی و همچنین تجربه کشورهای مختلف شامل کشورهای پیشرفته، کشورهای با اقتصاد متمرکز و کشورهای جهان سوم، می‌پردازد؛ مثلاً در بحث خصوصی‌سازی به تجربه ژاپن اشاره می‌کند که در آغاز انقلاب میجی (۱۸۶۸) دولت اقدامات وسیعی را در جهت تقویت ظرفیتهای تولیدی جامعه از جمله سرمایه‌گذاریهای زیربنایی و سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی صورت می‌دهد و همزمان، زمینه‌ها و انگیزه‌های لازم را برای رشد و گسترش فعالیت بخش خصوصی فراهم می‌شود.

سرانجام به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از خصوصی‌سازی می‌پردازد: "گرایش شدید از تمرکز دولتی به اقتصاد بازار در حالی که هنوز نتایج قطعی از موفقیت‌های طرحهای خصوصی‌سازی در کشورهای در حال توسعه وجود ندارد، بسیار خطرناک است. خصوصی‌سازی برای کشورهایی نظیر انگلستان که سیستمی جا افتاده دارند، چندان مشکل نیست و می‌تواند ضمن رفع نواقص و عوامل شکست بازار، افزایش درآمد و کاهش مالیاتها را نیز به دنبال داشته باشد، اما کشورهایی که دچار محدودیتهای مختلف تجاری، کارگری، و فاقد امنیت نسبی اقتصادی هستند، سیاستهای بلند پروازانه گرایش به سوی بازار برای رسیدن به مجموعه گسترده‌ای از اهداف غیرعملی است..." بنابراین موفقیت خصوصی‌سازی در کشورهای جهان سوم در گرو مجموعه‌ای از اصلاحات قانونی، و آماده‌سازی جو و فضای مناسب* برای رشد سرمایه‌داری است.

فعالیت‌های دیگری نیز در این زمینه صورت گرفته است که از جمله می‌توان به دومین همایش دوسالانه اقتصاد ایران اشاره کرد که با عنوان "اصلاحات اقتصادی در ایران:

* منظور از جو و فضای مناسب، فرهنگ و مجموعه‌ای از عادات، سنتها و آداب اجتماعی است که موافق با تحقق اصلاحات است.

مبانی نظری و برنامه عملی" در مهرماه ۸۱ و در دانشگاه تربیت مدرس برگزار شد. در این همایش برخی از پژوهشگران و محققان دانشگاه‌های ایران به مباحثی اشاره کردند که با تحقیق موجود همخوانی بسیار نزدیکی دارد از جمله "تأثیر عوامل فرهنگی بر توسعه اقتصادی"، "اصلاحات اقتصادی و توسعه انسانی" و شرط لازم اصلاحات اقتصادی. پژوهش دیگری نیز در این زمینه صورت گرفته که آن نیز به صورت ارائه مقاله توسط آقای قربانعلی دری نجف آبادی به اولین کنگره بررسی اندیشه‌های اقتصادی امام خمینی(س) و تحت عنوان "توسعه، فرهنگ و دیدگاه‌های امام خمینی(س) ارائه شد. در این مقاله، مؤلف ضمن بررسی دقیق از مفهوم توسعه به اهمیت منابع انسانی و فرهنگ به عنوان محور توسعه اشاره، و سپس به دیدگاه‌های بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران در این زمینه پرداخته است. ضمن اینکه مقاله دیگری نیز در همین کنگره توسط دکتر علی صادقی تهرانی تحت عنوان خصوصی سازی واحدهای تولیدی دولتی در ایران ارائه شده است. در این مقاله ایشان به نکته بسیار مهمی اشاره دارد و آن اینکه کسانی که می‌خواهند پس از خصوصی سازی، سرمایه‌های ملی را از دولت تحویل گیرند و به خدمت تولید و سرمایه گذاری در آینده قرار دهند، این افراد چه کسانی هستند. آیا همان زراندوزان سوداگری هستند که تا دیروز به عنوان تروریست اقتصادی به نابودی اقتصاد کشور کمر همت بسته بودند و اکنون توبه نصوح کرده، با سود عادلانه و کار پر مشقت به تولید صنعتی می‌پردازند و نهایتاً ساختار صنعتی کشور را اصلاح خواهند کرد؟

بررسی تاریخی چگونگی شکل گیری نظام اقتصادی مبتنی بر حاکمیت بازار

الف - چگونگی شکل گیری و نقش عوامل شکل دهنده در غرب

مرکانتیلیسم* یا سوداگری، نخستین تجربه مدون غرب در تدوین و تبیین نظریات

اقتصادی به شمار می‌رود. این مکتب اقتصادی بردولتی قدرتمند و مداخله‌گر تأکید می‌کند. تضاد منافع دولتها، عدم تعادل‌های داخلی، رشد سرسام‌آور بهای محصولات در کشورهای تحت سلطه این نظام اقتصادی و سرانجام پیدایش انقلاب صنعتی، مکتب سوداگری را به انتهای کوشش تاریخی خود رسانید.^(۱)

افراط در سوداگری و در نتیجه ایجاد نابرابریهای اجتماعی و اقتصادی باعث شد تا زمینه پیدایش افکار نوتری فراهم شود که بر "قوانین طبیعی" مبتنی بود. فیزیوکراتها با طبیعیون معتقد بودند که اصالت نظام اقتصادی مبتنی بر کسب منافع شخصی و آزادی همگانی و رقابت است. از نظر آنان رئیس حکومت در مقام مجری و ناظم قوانین طبیعی باید وظایفی را برعهده داشته باشد که به اختصار اینهاست.^(۲) ۱ - مبارزه با عناصری که متعرض اصول مالکیت شخصی می‌شوند. ۲ - پرورش و آموزش افراد برای جلوگیری از تبدیل استبداد نظام طبیعی به استبداد فردی ۳ - اجرای امور عام‌المنفعه نظیر احداث راه‌ها، حفر قنوات و...

آدام اسمیت* نخستین کسی بود که با استفاده از آرا و عقاید پیشینیان توانست بنیانگذار مکتبی باشد که امروزه نظام سرمایه‌داری را تشکیل می‌دهد.

او با استفاده از نظریات فلسفی "اصالت" دکتر کنه و اینکه تعقیب منافع شخصی در تلازم با رقابت آزاد، رفاه عمومی را تأمین می‌کند و با تکیه بر نظریه فلسفه اخلاق استاد خود، "هوچسن" به نظریه فلسفی اقتصادی خود یعنی دست نامرئی دست یابد.

او همچنین با الهام از تمثیل زنبوداران عسل "ماندوویل" که با خودخواهی و تعقیب نفع شخصی، نفع اجتماعی را تأمین می‌کنند، نظریه سازگاری منافع شخصی و عمومی و طبیعی بودن نظام اقتصاد خصوصی و در نتیجه، تجویز حداقل دخالت دولت برای

* Adam smite فیلسوف و عالم اقتصاد قرن هیجدهم (۱۷۲۳ - ۱۷۹۰) که به عنوان بنیانگذار مکتب کلاسیک مطرح شد و با نوشتن کتاب "ثروت ملل" (Wealth of National) و طرح ایده "دست نامرئی" یا "Invisible hand" به شهرت رسید.

حداکثر شدن رفاه اجتماعی را ارائه کرد. بر همین منوال بر مبنای نظریات روانشناختی انسانی لیبرالیسم "هابز" که معتقد بود مردم در اصل خودخواه، حسابگر، تنبل و غیراجتماعی اند و نظریه "لذت‌گرایی روانی" بتام - مبنی بر اینکه انگیزه افراد، کسب لذت و احتراز از درد است - اساس نظریه "اصالت مطلوبیت" در نظریه مصرف‌کننده لیبرالیسم کلاسیک را بنا نهاد.^(۳)

عوامل شکل دهنده به این سیر تکامل که نهایتاً به اسمیت ختم شد از نظر تاریخی در تحولات همه جانبه‌ای ریشه دارد که قرن‌ها قبل از در اروپا اتفاق افتاد؛ یعنی رهایی تفکر انسان از جهل و جمود فکری و ارزشمند شدن علوم، تحول در ارزشها و شکل‌گیری نهادهای مناسب در طی قرون شانزدهم و هفدهم میلادی و عقل‌گرایی جوامع اروپایی زمینه‌ساز تحولاتی شد که انقلاب صنعتی ثمره و حاصل آن بود.

تحول، چنان در این جوامع ریشه دواند به گونه‌ای که توانست در مدت کوتاهی تمامی حوزه‌ها نظیر فلسفه و هنر، علم و دین و سایر رشته‌ها را دربرگیرد.

در حوزه دین، همچنان که ماکس وبر اشاره می‌نماید: رشد سرمایه داری و تغییرات ملازم با آن ناشی از فردگرایی و خودخواهی اقتصادی افراد نیست، بلکه باید آن را نتیجه جهت‌گیری و روانشناختی جدیدی دانست که الهیات کالوین آن را به وجود آورده است. در الهیات کالوین آنچه انسان انجام می‌دهد، خدمتگزاری یا نگهبانی از اموال خدا روی زمین است و اراده الهی بر آن است که مردم باید در نهایت جدیت و نظم و ترتیب، خدمتگزاری خود را به انجام برسانند. هیچ فردی نباید در اموال خداوند اسراف کند و آن را تلف نماید. ولخرجی و فخرفرشی با استفاده از نعمتهای خداوند، گناه محسوب می‌شود. صرفه‌جویی، پشتکار، راستگویی و موفقیت در اجرای وظایف شغلی از نشانه‌های تقرب به خداوند است.^(۴)

به نظر وبر این آموزه‌های دینی در میان مؤمنان شوری برانگیخت که در نهایت توانست به فراوانی اقتصادی و رشد سرمایه‌داری و همچنین گسترش صنعت کمک شایانی کند.

با این حساب و با شروع تحولات، یک تغییر اساسی در جهان‌بینی و نوع برداشت انسان غربی نسبت به واقعیات جهان اطرافش به وجود آمد و در نتیجه، علوم مختلف دستخوش تحولات عظیمی شد که با به کارگیری قدرت خلاقیت و ابتکارات و اختراعات افقهای جدیدی فراروی این‌گونه جوامع گشوده شد.

وقوع این تحولات باعث شد تا در ابعاد مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی فضای بسیار مناسبی برای شکوفایی استعدادها فراهم شود. در واقع زمینه‌ای فراهم شد تا هرگونه تغییراتی بسرعت و به نتایج مورد نظر رهنمون گردد.

ابتدا اندیشمندانی چون گالیله، کپرنیک و نیوتن، انقلابی در بینش انسان نسبت به محیط اطرافش پدید آوردند. احترام و پشتیبانی از دانشمندان در دوران رنسانس به صورت ارزشی عام و پذیرفته شده درآمد. مفید واقع شدن علوم در بهبود زندگی، پیشرفت فناوریهای تولید و وضع رفاهی مردم، اشتیاق و تقاضای روزافزون برای توسعه علوم را سبب شد. سازمانهای تحقیقاتی و دانشگاهی نهادینه گردید و ابتکار عمل دولتها در ایجاد ارتباط، استمرار و پیوستگی بین تحقیقات و فنون تولید مهم‌ترین دستاورد جهان توسعه یافته کنونی به حساب آمد.^(۵)

آنچه از تحولات صورت گرفته در غرب می‌توان آموخت، سهم و نقش محوری انسان در مرکز ثقل این تحولات است. در واقع منشأ تغییر، خود انسان است. تا او نخواهد هیچ تغییری حاصل نخواهد شد. این تجربه نشان می‌دهد که برای رسیدن به اهداف اصلی، لازم است ابتدا یک تحولی در بینش انسانها رخ دهد تا از این طریق و با استفاده از ابزار مؤثر و قدرتمند مذهب به ترتیب انسانهای دانشمند و آگاه نسبت به

جایگاه تاریخی خویش همت گماشت.

نتیجه اینکه عقلگرایی انسان همراه با تأثیر عمیق آموزه‌های دینی که بر رفتارهای انسانی ریشه دوانده، توانست منشأ تحولاتی تاریخی شود و به گونه‌ای که انسان در بند خرافات و جهالت قرون وسطی را به انسان دیگری تبدیل کند و سپس در بستر پویایی فرهنگی از قبیل نهضت کالونیسیم و اصلاح دین، اهداف مادی را تحقق بخشد.

این موضوع از دیدگاه افرادی نظیر دکتر حسین عظیمی دوران زایش تاریخی^(۶) مطرح می‌شود که نهایتاً به تولدی مجدد منجر می‌شود و از دیدگاه افرادی نظیر ماکس وبر، دریافت‌های دینی، عملاً از عناصر تعیین کننده رفتارهای اقتصادی است و در نتیجه یکی از علل دگرگونی‌های اقتصادی جوامع به شمار می‌رود.^(۷)

عناصری نظیر قداست کار، امساک، پشتکار، هوشیاری و دوراندیشی و ثروت جویی، نفی سحر و جادو و ترغیب عقاید خردگرایانه و نفی لذت‌های این جهانی و هوسبازی اسراف‌آمیز، گروه زیادی از نوکیسه‌های دوران را به انباشتن سرمایه ترغیب کرد^(۸) به گونه‌ای که امروزه شاهد نظامی اقتصادی - اجتماعی هستیم که شالوده آن بر مبنای این نوع تفکر بنیانگذاری شد و همان‌گونه که قبلاً اشاره نیز شد توسط افرادی نظیر آدام اسمیت، مبنای فکری سرمایه‌داری جدید قرار گرفت.

اینکه محصور این نظام جدید چه بوده و تا چه حدی توانست امیال و آرزوهای متفکران مورد نظر را تحقق بخشد، موضوع مستقلی است که در بخش‌های بعدی مقاله بدان پرداخته خواهد شد.

ب - نقش عوامل تأثیرگذار در ژاپن

همان‌گونه که اشاره شد، تحول در ارزش‌های مذهبی و شکل‌گیری نهادهای مناسب و ارزشگذاری بر تفکر علمی و برخورد‌های منطقی با پدیده‌های علمی همچنین ارج نهادن بر دانش و تکریم دانشمندان و علما در طی قرون شانزدهم و هفدهم میلادی باعث شد

زمینه‌های انقلاب صنعتی در قرن هیجدهم و در اروپا فراهم شود. اما این تحولات در شرق و در سرزمین آفتاب تابان، یعنی ژاپن چگونه رخ داد. دانستن این موضوع نیز همچون بررسی که در غرب صورت گرفته است، می‌تواند این تحقیق را در رسیدن به نتایج مورد نظر، یاری کند. برای پی بردن به نتایج شگرفی که ملت ژاپن بدان دست یافت لازم است بدانیم در طی دو قرن (هیجده و نوزده میلادی) که به دوره توکوکاوا معروف است، درهای این کشور به روی دنیای خارج بسته و هرگونه ارتباطی با خارجی‌ها ممنوع شد. آیین مذاهب بومی (شینتو) و مذاهب وارداتی (بودا و کنفوسیوس) به گونه‌ای ماهرانه در هم تلفیق شد و آداب و رسومی جدید بر طبق نیازهای جامعه شکل گرفت.

اعتقاد بر این است که پیدایش آیین شینتو به منظور سلطه سیاسی حاکمان اولیه دولت در ژاپن بود و سپس مذاهب وارداتی نیز در طول تاریخ، زمانی مورد حمایت قرار گرفت که در خط حاکمیت و حامی آن بود. "بدین صورت آیین شینتو امپراتور را به عنوان خدا مورد توجه قرار داد. آیین بودیسم بر سلسه مراتب سیاسی تأکید کرد و از سوی دیگر آیین کنفوسیوس بر عقلگرایی سیاسی تأثیر بسیاری داشت."^(۹)

در طول این دوره شخصیت فردی از طریق ایجاد سنتهای خانوادگی شکل گرفت و فرزندان در داخل خانواده متعهد به حفظ ارزشها بودند. بافت اقتصادی جامعه متأثر از وابستگیهای شخصیتی افراد به خانواده، به صورت جدیدی تحول یافت. سختکوشی و وجدان کاری همراه با قناعت و بردباری به عنوان ویژگی جدید در عمق فرهنگ مردم نفوذ کرد به گونه‌ای که بعدها یکی از اصول مسلم و شاخص ژاپنی‌ها در جهت قطع وابستگی و مقاومت در مقابل فرهنگ وارداتی غرب درآمد.

سیاست انزواطلبی دوره توکوکاوا نسبت به کشورهای غربی، که دایره شوم و بسته خرافات سنتی را شکسته و گامهای اولیه در راه توسعه و پیشرفت سریع داخلی و خارجی را برداشته بود، (نوعی) شکست و عقب ماندگی به حساب می‌آمد، ولی در مقایسه با

کشورهای در حال توسعه که قربانی تجاوزگریها و استعمار مستقیم و غیرمستقیم غرب قرار گرفته بودند. این سیاست، موفقیتی به شمار می‌آمد و در واقع، ملت ژاپن در پرتو این سیاست، فرصتی یافت تا اتحاد و انسجام یابد و ارزشهای اخلاقی و سنتی و فرهنگی خویش را ابقا نماید.^(۱۱)

حاصل تمام این تحولات و تغییرات بنیانی در جامعه ژاپن با عنوان تحولات فرهنگی، زمینه‌ساز و بستر مناسبی شد تا در دوره بعد یعنی دوره میجی (۱۹۱۲ - ۱۸۶۸) به رشد و شکوفایی اقتصادی کمک شایانی کند؛ ضمن اینکه توجه و برنامه‌ریزی دولت توکوگاوا در زمینه آموزش نیروی انسانی باعث گردید تا سرمایه‌گذاری در جهت تأسیس مدارس اعم از مذهبی و غیرمذهبی افزایش یابد و در پایان حاکمیت توکوگاوا درصد قابل توجهی از مردم ژاپن باسواد شوند. سپس در دوره میجی این حرکت تکامل یافت و به صورت یک فرمان امپراتور درآمد که در پی آن، عزم ملی را برای گسترش آموزش به دنبال داشت.

نکته درخور اهمیت این است که کشور ژاپن با بستن درهای خود به مدت ۲۰۰ سال بر روی استعمارگران، ابتدا به تحولات فرهنگی و تغییر بینش انسان نسبت به جهان هستی همت گماشت. سپس با فراهم شدن زمینه مناسب، تغییرات مورد نیاز را در عصر امپراتور میجی به وجود آورد و نهایتاً با استفاده از علوم و فناوری وارداتی غرب به سمت رشد و توسعه همه جانبه حرکت کرد.

ویژگی و محصول نظام اقتصادی مبتنی بر حاکمیت سازو کار بازار

طی بررسیهای قبلی مشخص شد که جوامع پیشرفته و صنعتی شده امروزی، محصول وضعیتی است که در ابتدای تحول به وجود آمده و اگر این بستر و زمینه آماده نمی‌شد، امکان تحولات بعدی امکانپذیر نبود. اما محصول این تحول چه بود و دستاوردهای آن

برای جامعه بشری چگونه دستاوردی است. در پاسخ باید گفت، هر چند متفکران و اندیشمندان اولیه برای خارج شدن انسان از جهل و جمود فکری و رهایی وی از قید و بندهای خودساخته تلاش کردند و توانستند مسیر حرکت را نیز تغییر دهند و انسان را به سمت توفیقات مادی و معنوی رهنمون سازند، پیامدهای بعدی که تماماً در خبط و خطاهای فاحش انسانی ریشه دارد، باعث شد بعد مادی بر ابعاد معنوی تسلط یابد و نظام اقتصادی تشکیل شده به فراورده‌هایی تبدیل شود که طعم و شیرین آن برخلاف نیت و قصد متفکران و مصلحان اولیه شکل گیرد و امروزه به صورتی درآید که تاروپود نظام سرمایه‌داری حاکم را در هم نوردد.

اینکه فلسفه آزادی در فعالیت اقتصادی چه بوده، شاید در هیاهوی حاکمیت بازار فراموش شده و در عوض تسلط روحیه مادی‌گرایی صرف و تبدیل انسان به موجودی که بنده بت خودساخته‌ای شده است که تمام رستگاری و آرمانهای خود را در دستیابی به حداکثر "منافع" و "مطلوبیت" مادی می‌داند و "رفاه مادی"، وی را به انسانی صرفاً اقتصادی مبدل کرده است.

واژه‌هایی نظیر آزادی انسان در تمامی ابعاد بویژه ابعاد اقتصادی، استقرار روحیه رقابتی برای استفاده مطلوب و بهینه از تمامی امکانات مادی، ایجاد روحیه نفع‌طلبی به منظور تأمین منافع اجتماعی، هر چند از نظر طراحان و واضعان اولیه به عنوان اهداف متعالی تعریف شد، عملکرد ناصحیح آن باعث گردید علاوه بر اینکه تعادل اقتصادی به هم بخورد، نابرابریهای شدید اجتماعی را به وجود آورد و جوامع انسانی نیز با یأس و سرخوردگی و انواع بیماریهای روحی و روانی (در عین بهره‌مندی شدید مادی) مواجه شوند. به همین سبب و در پی افراطهای صورت گرفته و با بروز جنگهای ویرانگر و تحولات ناخوشایند اقتصادی، گرایش به سمت محدود ساختن بخش خصوصی و دخالت بیشتر دولت در امور اقتصادی در جهت تعادل رساندن آن مطرح گردید.

ضمن اینکه عده‌ای دیگر از اندیشمندان و مصلحان اجتماعی راه علاج راه، خلع ید از نظام سرمایه‌داری دانستند و با رویکردی شدیداً "دولت مدار"، سوسیالیسم را بنا نهادند. هرچند این مقاله در پی رد این نظریه و مکتب اقتصادی نیست، تجربه تلخ سوسیالیسم و افراطهای صورت گرفته در خلاف مسیر مکتب کاپیتالیسم باعث شد تا این افراد نیز نشانه‌ها را اشتباه درک کنند و با نفی کامل نظام "دولت مدار"، تجربه تلخ رویکرد "سرمایه مدار" را برای کشورهایی که به دنبال یافتن راه فراری از وضع موجود بودند، توصیه و تجویز نماید.

اینکه راه حل چیست و چگونه می‌توان از سردرگمی موجود و شیوه آزمون و خطا رهایی یافت، موضوعی است که در بحث بعدی بدان می‌پردازیم.

تغییر رویکرد به سمت ساز و کار بازار (خصوصی سازی)

آنچه از ایده خصوصی سازی استنباط می‌شود، این است که فضای رقابتی ایجاد می‌کند به گونه‌ای که بنگاه‌ها مجبور به ارائه عملکرد کاراتری نسبت به هم می‌شوند و سپس با ساز و کار قیمت، منابع به سمت صحیح و مناسبی جریان می‌یابد و از اتلاف آن جلوگیری به عمل می‌آید.

از میان تعاریف خصوصی سازی تعریف "شوارتز"، انتخاب و ارائه می‌شود:

خصوصی سازی به معنی به وجود آوردن نظام اقتصادی جدید بر اساس بازار و در

نتیجه دگرگونی و تحول در ابعاد مختلف اقتصادی است. (۱۲)

آنچه به عنوان اهداف خصوصی سازی نام برده می‌شود، عموماً به معنای کاهش بار

تصدی‌گری دولتی و به دنبال آن افزایش کارایی در حوزه فعالیت‌های اقتصادی و رسیدن

به رشد و توسعه عنوان می‌گردد. این عمل باعث می‌گردد تا ساز و کار قیمت به درستی

عمل کند و با ایجاد رقابت بین بنگاه‌های اقتصادی، علاوه بر تأمین منافع مصرف

کنندگان، تخصیص بهینه منابع نیز صورت پذیرد.

برای خصوصی سازی، روشهای مختلفی متصور است و کشورهای مختلف، هر یک از این روشها را با توجه به ویژگیهای ساختاری و سیاسی به مورد اجرا گذارده اند؛ مثلاً در چین، روش پیمانکاری به مرحله اجرا گذاشته شد و با واگذاری نسبی اختیارات مربوط به برنامه ریزی و تصمیم گیری از سطح ملی به سطوح منطقه ای و با انعقاد قراردادهای استیجاری به مدت ۳ تا ۵ سال با هر یک از مدیران یا کارکنان شرکت، بدون اینکه تغییری در نظام مالکیت صورت پذیرد و با ایجاد انگیزه در جهت بهبود کارایی و بهره وری بنگاه های اقتصادی، تغییر رویکرد به ساز و کار بازار انجام شد در حالی که از این روش در کشورهای پیشرفته و صنعتی نیز در واگذاری خدمات مختلف استفاده می شود. ضمن اینکه روشهای دیگری نظیر "فروش دارایی های دولتی به بخش خصوصی (انتقال مالکیت) روش مقررات زدایی به منظور افزایش توان محاسباتی توسط بخش دولتی، قابل انجام است.^(۱۳)

از آنجا که خصوصی سازی در تمام کشورها اعم از پیشرفته و در حال توسعه و کشورهای سوسیالیستی مرسوم و رایج است، باید نسبت به هر یک از آنان نگاه ویژه ای داشت. در حالی که بخش دولتی کشورهای پیشرفته نقش مکمل را برای بخش غیردولتی ایفا می کند و در جهت رفع نواقص بازار شکل گرفته است در کشورهای در حال توسعه به رغم نبودن نهادهای لازم پولی و مالی و سرمایه ای و وجود بوروکراسی گسترده ناکارا، خصوصی سازی، راه فرار از مشکلات موجود تعریف، و اجرا می شود. در واقع به دلیل شکست دولت در اجرای وظایف محول به سوی ساز و کار بازار گرایش می یابند.

گرایش شدید به سمت اقتصاد بازار در حالی که هنوز نتایج قطعی از موفقیت طرحهای خصوصی سازی در کشورهای در حال توسعه وجود ندارد، بسیار خطرناک

است. اینکه کشورهای پیشرفته جملگی به سمت این راهکار رفته‌اند، نمی‌تواند الگویی برای موفقیت باشد، زیرا وجود موانع و محدودیتهای متعدد ممکن است سیاست بلند پروازانه را با شکست روبه‌رو سازد.^(۱۴)

نظریات و دیدگاه‌های بنیانگذار جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی (ره) یکی از اصلی‌ترین اهداف نزول وحی و فرستادن پیامبران را می‌توان در هدایت خلق و رهنمون شدن وی به سوی کمال مطلق نام برد. مقصد و هدف تمامی پیامبران و از آن جمله پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد صلی‌الله علیه و آله، تربیت صحیح انسان بوده است به گونه‌ای که انسان با متخلق شدن به اخلاق الهی، بتواند صلاحیت آن را بیابد که جانشین خداوند روی کره زمین شود.

در حالی که مکاتب مادی با هدف "رفاه اقتصادی" توفیق و سعادت دنیوی را هدف جهتگیریهای خود می‌دانند، مکتب اقتصادی اسلام به منظور دستیابی به سعادت اخروی، رفاه اقتصادی را صرفاً وسیله‌ای برای رشد و تعالی بشر می‌داند. اما در آن مکتب، انسان عقلایی در خدمت رفاه مادی و کسب حداکثر مطلوبیت و منافع شخصی قرار دارد. بنابراین داشتن صفاتی همچون حرص و آز برای دستیابی به منافع بیشتر مادی نه تنها مذموم نیست بلکه بسیار لازم و ضروری است اما در این مکتب عوامل نامبرده در خدمت انسان است و رفتار عقلایی بر مبنای کسب رضایت حق تعالی، ارزیابی می‌شود. حال اگر با این توصیفات پذیریم که هر آنچه توسط خالق هستی، خلق شده در خدمت به رشد و تعالی انسان و در نهایت اصلاح و اکرام جامعه انسانی است، لاجرم باید به گونه‌ای تربیت شود تا شایستگیها و لیاقتهای لازم را در جهت کسب نعمات الهی برخوردار شود.

از آنجا که دیدگاه‌ها و نظریات امام خمینی (ره) از اصول و مبانی دین مبین اسلام

نشأت گرفته است، دیدگاه‌های ایشان را می‌توان در راستای دین اسلام و اهداف پیامبر گرامی اسلام (ص) مورد بررسی قرار داد.

در بیانات و رهنمودهای بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، این مطلب که اصلاح جامعه در گرو اصلاح انسانها و فرهنگ حاکم بر آن است، تأکید بسیاری به عمل آمده است؛ از جمله اینکه:

اگر آدم بسازیم، مملکت ما نجات پیدا می‌کند. همیشه آدم‌ها هستند که مقدورات کشورها را در دست می‌گیرند. (۱۵)

از دیدگاه امام (ره) تحول فکری و روحی بر تحول مادی، مقدم و استقلال فرهنگی بر استقلال اقتصادی مقدم است.

هیچ ملتی نمی‌تواند استقلال پیدا کند، الا اینکه خودش را بفهمد و تا زمانی که ملتها خودشان را گم کرده‌اند و دیگران را به جای خودشان نشانده‌اند، نمی‌توانند استقلال پیدا کنند. (۱۶)

همان‌گونه که در نظریات امام (ره) بدان تأکید شده است. مقدمه هر تحولی را باید در وجود انسان جستجو کرد. تا افکار انسانها تغییر نکنند، نمی‌توان به آینده کشور و امور مربوط به آن امیدوار بود.

از سوی دیگر، فرهنگ یا مجموعه باورها و برداشتهای هر جامعه نیز از نظر ایشان به عنوان یک مسأله کلیدی می‌تواند مبنا و محور هر گونه تحولاتی قرار گیرد. برای توفیق در امور مادی و پیشرفت و توسعه لازم است فرهنگ اصلاح شود زیرا از این طریق فرصتی فراهم می‌شود تا انسانها هویت و جوهره وجودی خود را برای عرضه توانایی و آفرینندگی و ابتکار و خلاقیت به ظهور رسانند.

اصلاح فرهنگ و از آن جمله اصلاح مدارس از دبستان تا دانشگاه را جدی بگیرید و با تمام قوا در سد راه انحراف بکوشید. همه باید به مقدار توان خویش در این امر

حیاتی کوشش نماییم تا خون جوانان برومند مجاهد و کوشش ملت و مجاهدت بیدریغ آن هدر نرود.^(۱۷)

امام(ره) در فرصتها و موقعیتهای مختلف به مسأله تعلیم و تربیت و برنامه‌ریزی برای تربیت مناسب نیروی انسانی و پرورش و هدایت مغزها و اندیشه‌ها تأکید، و آن را به عنوان هدف و استراتژی بلندمدت مطرح می‌کنند. ایجاد فرهنگ کار و تولید، استقرار نظم و انضباط، پشتکار و تحقیق، جهاد و اجتهاد علمی و ارتباط نزدیک بین محیطهای علمی و کاری از دیگر تأکیدات ایشان است.

اگر بخواهیم دیدگاه امام(ره) را در خصوص این موضوع دسته‌بندی کنیم، می‌توانیم آن را به سه دسته مشخص تفکیک نماییم.^(۱۸)

۱- گسترش علم و دانش و مبارزه با جهل و بی‌سوادی، این موضوع از طریق توصیه‌های ایشان به منظور تعلیم و تربیت نیروی انسانی از پایین‌ترین مراحل و مراکز آموزشی نظیر کودکان تا بالاترین مراکز، نظیر دانشگاه‌ها را شامل می‌شود.

۲- پژوهش و تحقیقات، از جمله می‌توان به بیانات آن بزرگوار در منشور بازسازی اشاره کرد. مهمترین عامل در کسب خودکفایی و بازسازی توسعه مراکز علمی و تحقیقاتی و تمرکز و هدایت امکانات و تشویق کامل و همه‌جانبه مخترعین و مکتشفین و نیروهای متعهد و متخصصی است که شهادت مبارزه با جهل را دارند و از لاک نگرش انحصاری علم به غرب و شرق درآمده و نشان داده‌اند که می‌توانند کشور را روی پای خود نگه دارند. ان شاء الله این استعدادها در پیچ و خم کوچه‌های اراده‌ها خسته و ناتوان نشوند.^(۱۹)

۳- مشارکت مردم (عزم ملی و بسیج امکانات)، از جمله توصیه‌های امام(ره) از همان ابتدای نهضت و سپس در طول آن و همینطور با پیروزی انقلاب، توجه و تأکید بسیار به نقش مردم در تمام زمینه‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی است.

با توجه و دقت بیشتر در این زمینه می‌توان از نظریات ایشان در بحث تغییر رویکرد و ساختار اقتصادی نیز استفاده کرد.

هیچ کاری در این کشور نمی‌شود به خوبی انجام بگیرد، الا با تشریک مساعی. اگر بخواهد ملت بنشیند تا دولت کاری را انجام بدهد، این امری است که نخواهد شد و اگر دولت بنشیند که ملت کاری را انجام بدهد، آن هم نخواهد شد. (۲۰)

نکته مهم در توصیه‌های امام (ره) موضوع مردم است. ایشان وقتی به واژه مردم اشاره می‌کنند، منظور ایشان صرفاً عده‌ای خاص نیست بلکه شامل آحاد جامعه و به ویژه افراد دلسوز، کاردان، متدین و آنان که درد فقر و محرومیت را چشیده‌اند، می‌شود؛ ضمن اینکه درد اسلام و انقلاب را نیز می‌دانند؛ کسانی که صرفاً برای جلب رضای خدا و منافع خلق او، تلاش می‌کنند.

دولت چنانچه کراً تذکر داده‌ام بی شرکت ملت و توسعه بخشهای خصوصی جوشیده از طبقات محروم مردم و همکاری با طبقات مختلف مردم با شکست مواجه خواهد شد. کشاندن امور به سوی مالکیت دولت و کنار گذاشتن ملت، بیماری مهلکی است که باید از آن احتراز شود.

- تذکر این نکته مهم است که دخالت دادن کسانی که در امور تجارت واردند، از بازاریان محرومیت کشیده و درد اسلام و انقلاب چشیده تا متخصصان وارد و مسلمان و متعهد، از امور ضروری است. دولت و این دوستان باید دقیقاً توجه کنند که آزادی بخش خصوصی به صورتی باشد تا هرچه بهتر بشود به نفع مردم محروم و مستضعف کار کرد، نه چون گذشته تعدادی از خدا بی‌خبر در تمام امور تجاری و مالی مردم تسلط پیدا کنند. (۲۱)

در واقع و با تلفیق نظریات قبلی ایشان در خصوص تربیت و تعلیم افراد و وظایف مراکز فرهنگ‌ساز برای ایجاد فرهنگ مناسب جامعه اسلامی ایران و نظریات اخیر که

سپردن بنگاه‌های اقتصادی به افراد شایسته با توجه به فراهم بودن شرایط لازم در این خصوص می‌توان به راهبردهای مورد نظر امام(ره) در این زمینه دست یافت. چنانچه دولت نتواند با یک برنامه‌ریزی حساب شده، متغیرهایی نظیر کاردانی و تخصص، تدین و تقوا، دلسوزی و دردمندی را در فرهنگ مردم نهادینه کند، امکان دارد در دستیابی به اهداف خود مانند واگذاری امور اقتصادی به مردم و مشارکت آنان در مسائل مختلف اجرایی با مشکل روبه‌رو شود.

این موضوع، زمانی از حساسیت بیشتری برخوردار می‌شود که مشخص شود تأکید ایشان به توسعه بخش خصوصی، جوشیده از طبقات محروم جامعه است؛ یعنی مشارکت همه مردم در مقررات اقتصادی جامعه به منظور بهره‌مندی همگانی از ثروتهای عمومی جامعه.

نکته دیگر در بیانات آن حضرت، تأکید ایشان به استفاده از شور و نشاط و انگیزه الهی جوانان است. کسانی که توانستند انقلاب را با قدرت تمام به پیروزی برسانند و در طول هشت سال دفاع مقدس با ایثار خون خود انقلاب و کشور را از گزند دشمنان، محفوظ نگاهدارند و می‌توانند در صحنه‌های اقتصادی نیز موانع را از سر راه بردارند.

«همانطوری که ملاحظه می‌کنید اگر چنانچه این کشور و شعف ملت و جوانان عزیز نبود، هیچ دولتی نمی‌توانست مقابله بکند با این قدرتهایی که همه قدرتشان را، قوه‌شان را پهلوی هم گذاشتند و به ما حمله کردند بدون اینکه این ملت همراهی کند، ما نمی‌توانستیم کاری بکنیم. پیروز شدید و پیروزتر هم خواهید شد، با شرکت اینها شما می‌توانید اداره کنید این کشور را.» (۲۲)

نهایتاً اینکه در نظام اسلامی استفاده از مشارکت مردم با تمام ویژگیهایی که امام(ره) برمی‌شمرند و همینطور کسانی که از بینش و درک صحیحی از نقش خود در فرایند تکامل جامعه انقلابی برخوردار هستند در زمینه‌های مختلف و مورد نیاز یک ضرورت

است. زیرا همان طور که در انقلاب و دفاع هشت ساله همین مردم بودند که زمینه‌های ظفر و پیروزی را فراهم ساختند. اکنون نیز می‌توان از این توان در جهت ایفای رسالت‌های مختلف از جمله در امور اقتصادی استفاده کرد؛ آن گونه که معمار انقلاب اسلامی توانست با هنر خود از این توان در جهت تحریک آنان در راه مصالح کشور و انقلاب استفاده کند و آن گونه که سایر جوامع - در بحث مربوط به غرب و ژاپن مطرح گردید - توانستند از این توان، استفاده مطلوب را در جهت اهداف خود به عمل آورند.

این بحث را با این سخن امام(ره) که خطاب به تمام برنامه‌ریزان و سیاستگذاران فرموده‌اند به پایان می‌بریم. ارائه طرحها و اصولاً تبیین جهتگیری اقتصاد اسلام در راستای حفظ منافع محرومین و گسترش مشارکت عمومی آنان و مبارزه با زراندوزان، بزرگترین هدیه و بشارت آزادی انسان از اسارت، فقر و تهیدستی به شمار می‌رود. (۲۳)

نتیجه‌گیری و ارائه راه‌حل

بررسی اینکه در چه موقعیتی ساز و کار بازار می‌تواند عملکرد مطلوبی داشته باشد، مستلزم این است که پیش شرط‌های آن و زمینه‌هایی که موجب تحقق این امر است دقیقاً مورد بررسی قرار گیرد.

آنچه از تجربه کشورهای پیشرفته و توسعه یافته می‌توان سود جست، تجارب ارزنده‌ای است که می‌تواند برای هر نظام سیاسی - اقتصادی درسهای آموزنده‌ای را به همراه داشته باشد. این تجارب می‌تواند در مرتبه نخست، سرمایه‌گذاری در بخش انسانی به منظور پرورش و تربیت نیروهای کارآمد و مناسب برای ایجاد هر گونه تحولات بعدی باشد.

از آنجا که منشأ تغییر، خود انسان است، بدون تغییر در باورها و بینشها امیال و آرزوها و تصورات انسانی، رسیدن به نتایج مطلوب، سرابی بیش نیست. تجربه تاریخی

سایر کشورها هم بر همین ادعا تأکید دارد. برای رسیدن به اهدافی نظیر اصلاحات در ساختار و کارکرد سیستم اقتصادی ابتدا تمام تلاشها باید به سمت تربیت انسانهای اندیشمند و عقلگرا متمرکز شود. در غیر این صورت و با اتخاذ هرگونه جهتگیریهای اقتصادی صرفاً تغییر رو بناست، در حالی که زیر بنا دست نخورده باقی می ماند و نتایج وخیمی به بار خواهد آورد به گونه ای که با تغییر رویکرد از «دولت سالاری» به سوی «سرمایه محوری» موجب گسترش اشرافیگری و پیدایش قشر مرفهی می شود که تنها در سودای تحقق رؤیاهای خفته خود خواهند بود.

در مرحله بعد لازم است فرهنگ مناسب هرگونه تحولی نیز فراهم شود. تا کار و تلاش، قداست نیابد و نزد افکار عمومی، حلاوت دستمزد و سود حاصل از عرق جبین، تقدس نیابد، کارکردها به سوی زدو بندهای پیدا و پنهان گرایش می یابد و ثروت جویی صرفاً ابزاری به منظور اثبات اشرافیت و فخر و مباهات طبقه ای خاص می گردد و در نتیجه، ثروت ملی نزد عده ای خاص دست به دست می شود و امکان مشارکت عمومی را در همراهی با یک طرح ملی ناکام می گذارد.

بنابراین باید گفت که با صرف ایجاد نهادهای بازار و اجرای ساز و کارهای مربوط به آن نمی توان انتظار داشت که اقتصاد به سمت اصلاح و کارکردهای مطلوب حرکت کند. تجربه دیگری که از تحولات دنیای پیشرفته می توان آموخت، همانا نقش و تأثیر دستورهای دینی بر عملکرد افراد آن جامعه در جهت تصحیح رفتارهای اقتصادی است. در حالی که در غرب، نهضتهایی نظیر کالونیسم و اصلاح دین در خدمت رفاه مادی بشر قرار گرفت و یا اینکه در شرق و در سرزمین آفتاب تابان، تلفیقی از آموزه های فلسفی و دین مکاتب سه گانه (شینتوئیسم، بودیسم و کنفوسیوسیسیم) موجب فراهم شدن بسترهای لازم به منظور شکل گیری رفتارهای اقتصادی و نهادهای مرتبط با آن شده است، پدیده انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) به رغم دارا بودن تمامی

خصایص و ویژگیهای رفتاری یک جامعه در حال تحول، می‌تواند به بهترین وجهی از آموزه‌های دینی استفاده مطلوب را به عمل آورده و در جهت رسیدن به «رفاه مادی»، که زمینه‌ساز تکامل انسان به سوی «رفاه معنوی» است، به دستورها و توصیه‌های معمار انقلاب تاسی جسته به عنوان الگویی منحصر به فرد در میان ملل مختلف مطرح شود.

یکی از مشکلات موجود در جهت تحقق این خواسته، عدم باور برخی مسئولان و مجریان اقتصادی مبنی بر تجربه قبلی این ایده در محیط جغرافیایی خاص است در حالی که نظریات بینانگذار جمهوری اسلامی ایران در خصوص تغییر رویکرد اقتصاد به سوی سازوکار بازار می‌تواند مبنای مناسبی باشد. در این صورت و در ابتدا و قبل از اتخاذ هر گونه تصمیمی در خصوص واگذاری سرمایه‌های ملی، اراده ملی باید شکل گیرد؛ یعنی آدمها و انسانها با ویژگیهای مورد تأکید ایشان تربیت شوند، سپس ارزشهای مورد نظر که از دستورهای دینی برخاسته است، حاکمیت یابد و در مرحله بعد و بدون حسن و قبحی برای سپردن امور در دست مردم و یا سپردن آن به دولت، قائل شویم، تصمیمات صحیح و به دور از فضا‌سازیهایی معمول ناشی از «شکست دولت» در اقتصادهای متمرکز اتخاذ نماییم. بدیهی است همان توفیقی که اقتصادهای موفق دنیای سرمایه‌داری به دست آورده است، می‌تواند نصیب اقتصاد کشورمان شود. لیکن با یک مزیت و برتری و آن جلوگیری از آثار ویرانگر توسعه صنعت و تکنولوژی بر شرافت و شخصیت انسانی و ارج و قرب نهادن بر جایگاه و منزلت انسان به عنوان بنده شایسته خداوند روی زمین. هرچند تحقق این مهم نیازمند عزم و اراده ملی و زمان طولانی است به عنوان یک راه حل پایدار می‌تواند برای سایر کشورهای توسعه نیافته، الگوی کاملی باشد.

در پایان راه‌حلهای زیر را می‌توان در پاسخ به برخی سؤالات تحقیق ارائه کرد:

۱ - به اصلاحات اقتصادی و اجرای خصوصی‌سازی در کشورهایی نظیر چین به عنوان ابزار کلیدی نگاه نشده بلکه ابزاری در جهت بهینه‌سازی مدیریت بوده است. در

واقع تغییر رویکرد در این کشور به شکل افراطی نبوده بلکه با واقع بینی ضمن حفظ ارزشهای اجتماعی صورت گرفته است.

از آنجا که بنا به تصدیق بیشتر کارشناسان اقتصادی، معضل اصلی اقتصاد ایران، ضعف مدیریت و ناتوانی آن در اجرای امور محول است، می توان با استفاده از شیوه پیمانکاری صرفاً به واگذاری مدیریت اقدام کرد و در صورت موفقیت آن و به مرور، انتقال مالکیت را مد نظر قرار داد.

۲- با توجه به نقش سرمایه های انسانی و اجتماعی به عنوان اصلی ترین عوامل برای اجرای هرگونه تحول لازم است. قبل از اتخاذ هرگونه سیاستی برای تغییر رویکرد اقتصادی، زمینه ها و بسترهای لازم از طریق سرمایه گذاری مؤثر در بخش آموزش از سطوح پیش دبستانی تا سطوح عالی انجام شود.

۳- ارزشهای اجتماعی نقش بسزایی در تصمیم گیری های اقتصادی بر عهده دارد. لذا توجه جدی به این عامل می تواند در توفیق تغییر رویکرد در برنامه توسعه تأثیر زیادی داشته باشد؛ متغیرهایی نظیر هویت و اراده ملی، عدالت اجتماعی، جهاد علمی، نظم پذیری و قانونگرایی.

۴- به نظر می رسد ادعاهایی که درباره تأکید ساز و کار بازار به عمل می آید بیش از حد مبالغه آمیز است. این سخن به این معنی نیست که راه حل، تقویت بخش دولتی است. ظاهراً، نه اندازه بخش خصوصی و نه اندازه بخش دولتی به خودی خود تفاوت چشمگیری ایجاد نمی کند.

باید توجه داشت که شکست بازار، ضرورتاً توجیه گر مداخله دولت و یا شکست بوروکراسی و دولت به معنای توسل به ساز و کار بازار نیست، بلکه این دو لازم و ملزوم یکدیگر است و در نتیجه هیچ حسن و قبحی به نفع یکی و به ضرر دیگری وجود ندارد.

۵- با توجه به نتایج خصوصی سازی در وضعیت فعلی کشور، عاقلانه ترین برخورد

توقف این روند و سپس با یک بازبینی در عملکرد آن با فراهم ساختن موقعیت لازم، تصمیم صحیح اتخاذ شود. نباید نگران عاقبت تصمیمهای غلط اتخاذ شده توسط دیگران بود. اگر سرمایه‌های ملی همچنان بطور ناکارا توسط بخش عمومی مصرف شود بهتر از این است که توسط عده‌ای خاص غارت و به کام بیگانگان سرازیر شود.

یادداشتها

- ۱- قدری اصلی، باقر، پول و ارز و بانک، ص ۱۷.
- ۲- تفضلی، فریدون، تاریخ عقاید اقتصادی، ص ۷۸، نقل از الیاس نادران، جایگاه دولت در مکاتب لیبرالیستی.
- ۳- نادران، الیاس، جایگاه دولت در مکاتب لیبرالیستی، مجموعه مقالات نقش دولت در اقتصاد، ص ۴۴.
- ۴- وبر، ماکس، اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری، ص ۲.
- ۵- متوسلی، محمود، خصوصی‌سازی یا ترکیب مطلوب دولت و بازار، ص ۱۵.
- ۶- کتاب توسعه، شماره ۴، ص ۵۷.
- ۷- آرون، ریموند، مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی، جلد ۲، ص ۲۴۳، به نقل از کتاب توسعه اقتصادی ژاپن، تألیف محمود متوسلی، ص ۵۴.
- ۸- همان، ص ۵۶.
- ۹- متوسلی، محمود، توسعه اقتصادی ژاپن با تأکید بر آموزش نیروی انسانی، ص ۸۳.
- ۱۰- همان، صفحات ۸۳ و ۸۴.
- ۱۱- همان، ص ۱۱.
- ۱۲- متوسلی، محمود، خصوصی‌سازی یا گرایش به سوی بازار، ص ۱۹۶.
- ۱۳- همان، صفحات ۲۲۳ و ۲۲۴.
- ۱۴- همان، ص ۲۴۱.
- ۱۵- رضایی، محسن، مبانی الگوی جامعه توسعه اقتصادی از دیدگاه امام خمینی (ره)، ص ۲۶.
- ۱۶- همان، ص ۲۵.
- ۱۷- صحیفه نور، جلد ۱۷، ص ۲ و ۳.
- ۱۸- دری نجف‌آبادی، قربانعلی، توسعه، فرهنگ و دیدگاه‌های امام خمینی (ره)، مجموعه مقالات اولین کنگره بررسی اندیشه‌های اقتصادی امام خمینی (ره)، ص ۱۴۸.
- ۱۹- صحیفه نور، جلد ۲۱، ص ۳۸.
- ۲۰- همان، ج ۱۵، ص ۲۶۹.
- ۲۱- همان، ج ۱۹، صفحات ۱۰۸ و ۱۰۹.
- ۲۲- همان، ج ۲۰، صفحات ۴ و ۵.
- ۲۳- همان، ص ۱۲۸.

منابع

- ۱- خلیلیان اشکذری، محمد جمال، فرهنگ اسلامی و توسعه اقتصادی (بررسی سازگاری و ناسازگاری) مؤسسه آموزش و پژوهشی امام خمینی(ره)، ۱۳۸۱
- ۲- رضایی، محسن، مبانی الگوی جامع توسعه اقتصادی از دیدگاه امام خمینی(رض)، بدون ناشر، ۱۳۷۱
- ۳- سیف، احمد، جهانی کردن فقر و فلاکت (استراتژی تعدیل ساختاری در عمل)، انتشارات آگاه، ۱۳۸۰
- ۴- عظیمی، حسین، مدارهای توسعه یافتگی در اقتصاد ایران، تهران: نشر نی، ۱۳۷۱
- ۵- کتاب توسعه، شماره ۴، نشر توسعه، ۱۳۷۱
- ۶- متوسلی، محمود، توسعه اقتصادی ژاپن با تأکید بر آموزش نیروی انسانی، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۷۴
- ۷- متوسلی، محمود، خصوصی‌سازی یا ترکیب مطلوب دولت و بازار، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۷۳
- ۸- مجموعه آثار جمع‌آوری شده از امام خمینی(ره) تحت عنوان "صحیفه نور"
- ۹- مجموعه مقالات نقش دولت در اقتصاد، به همت سعید فراهانی، موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۱
- ۱۰- منتخبی از مقالات اولین کنگره بررسی اندیشه‌های اقتصادی امام خمینی(ره)، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، ۱۳۷۷
- ۱۱- میرسندسی سید محمد، گفتارهایی در اندیشه اجتماعی امام خمینی(ره)، دانشگاه امام حسین(ع)، ۱۳۸۱
- ۱۲- نظریور، محمد تقی، ارزشها و توسعه، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران: ۱۳۷۸
- ۱۳- وبر، ماکس، اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری ترجمه عبدالمعبود انصاری، سمت ۱۳۷۱



پرویش گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی